

کوشش نامیه سنی

روزهای دوشنبه مشتر میشد

روزنامه بیچندستمبر و جنبش سنی هاره

لوشته پریشان

همه فرار می کنند

من و تنیکه کردستانی مقیم تهران و با مامور در شهرستان های دیگر را بنظر میاورم. ملاحظ می نمودم زبیرامه را از مامورین خوشام و آبرومند لاین لشکری و کشوری می بینم و ال طرخی وقتن ادارات کردستان راموره دقت فرام می دهم می بینم که اغلب اوقات مردم گرفتار روز و سالی نیست که واقعا نظرهاش را در کشور قاطع دیگر می توان یافت.

این روزها همانطور که گفتم قلب بی نظیره نه از لحاظ خدمتگداری و علاقه ب مردم و بر اجابت مردم بلکه از لحاظ خود سری خود می خردم و قانون شکنی.

ولی و تنیکه فخر می کشیم که کبریا چنین است و چرا آن ه که خوب بنویسند در ادارات دولتی مشاغل می دانند به کردستان بیرون نماند کت می کشد از کردستان بیایم که متناهی فوت کرده که می گفت من دودم خدمتدم کردستان تا می توانستم با ادب و احترام مراجعت مسروم و انجمن می دادم و سادفانه خدمت می کردیم و حساب نتوف میدیدم مردم با از آن من گم می کنند که چرا کلیه توفات می جا را پذیرند و تمام قضای می مورد احتضار را اجرا نشود. او می گفت در مین خدمت در کردستان آقدر تلوع جیبا و توصیه می کردم بی ریفت که بی باره خدمت بوم. من چون اهل محل بوم به چشم دیگری بین نگامی کردم مرا کوچک کارم را بی اهیت و خودمانی مسی دانستند مصوری که فیضان ماموری که در مین خدمت می کرد همه از او حساب می بردند و تا ترموز لری به اطمان او واژه می خدمت نه غاوری تلقین می گفتند و هر کسی برای خود اختاری می داشت که از او دعوتی بنیاید و با کمال میل و رغبت و نهایت سر بلندی یا کت های معنوی استکساق نقدش می کردند و و تنیکه رفت کسی نکت که

بچه در صلحه A

سرنوشت بارزانیان باحسن تدبیر جناب اشرف آقای نخست وزیر معین خواهد شد

نسل دوم - موضوع بارزانیان در فصل اول مقیده ما این است هراین موع که همدای گمان می کنند دولت ممکن است مدت به شش برده از روه به سالت آمیز استفاده آورهی با توجه به بیارتم نیستی صومی معیط دولتی و تدریجی فراهم سازد. خدمت عمل در این نواصی هیجوقت به صلاح منکنت نبوده و تضاده بود همانطور که بارها این موضوع رایبانه آورهی نمودیم پایه دولت می ساید قلب افراد و تاسخیر کرد مسخر نمودن قلب مسیر نفعواوه بود مگر از راه محبت و دلوری.

اما در فصل دوم بنشی موضوع بارزانیان دولت باید سی از او انعام ذیل را بنیاید. ۱ - اعاده بارزانیان به اوطان خود پس از اطمینان و بدست آوردن عفو صومی برای آنان از دولت عراق ۲ - سکونت دادن بارزانیان در دیوکی از مناطقی کردستان و بهترین آنان به تأیید ایران اگر از آنجا بیایم که به من نیست جناب آقای نخست وزیر اطمینان دارنه به واره اشن از نومه تا شوج معصوم بیلول فرموده و در ضمن نواصی دیگر کردستان را هم در اصلاحات ضروری از نظر دور نمانده.

و چند روز پیش شاکه هران را ترک کرده بایران بناء آورده خدمت های کردنیین آذربایجان اقامت داشته و در تمام ایران خدمت پال و جان و ناموس کسی دراز نکرده بلکه در نهایت اعتیاض از رزاسی خود اطاعت نموده بطوریکه می توان آن را بهترین صوم افراد منظم شمار دادست. در هنگام حویبت آفرای دولتی بیست می یابد برخلاف آنچه دود سه روز اخیر در جیشی برابیه خوانده میشده اگر از بطور کلی بارزانیان با لصوص عکس العمل و مقاومتی نشان نداده و مشکلی برای ورود نیروهای نظامی فراهم نداشتند بلکه با نهایت جدیت کوشش نموده که از هر گونه تاسی که حادثه کوچکتری فراهم سازد جدا جلوی گیری بقیل آورده. به چنگی در آن نواصی روی داده و کسی کنتت بنا زخمی نشده.

پس از مسالافاتی که چه سران حزب دمکرات کردستان وجه ملاحظه می آفرمانده لشکر کردستان نموده منقدتات ورود نیرو فراهم شد و چند روز به عوم بارزانیان تسلیم دولت شده و بطوریکه بیستین آردون نام ملاحظه می بتران آمده است. در روز اول روز درهوه نیروی دولتی با نهایت مسالت با اهالی رتار میشد و در تمام مدت که راجع آذربایجان صحبت و گفتگو بود نامی از نواصی کردنیین آن امات بیان نمی آمد. این معصوم خود امانت می بود که فقط گذشت زمان می توانست آرا حل نماید زیرا با گذشتن چند هفته برنامه دولت و تحسین و راجع باین مناطق سلوم می کشت.

حال از گوچه و نظر فنیده می شود که چند مرتبه فرتت نظر در همدای بارزانی خدمت ه در نظرس است که موضوع بارزانیان هم جدا گانه مورد مطالعه فرام گیرد. بنابراین موضوع کردستان را کنون می توان عوم فصل تسلیم نمود. نسل اول - تصمیم دولت در باره نواصی کردنیین آذربایجان و سازمان های نو

دوم و روز است ملاحظه می بارزانی و چند نفر دیگر از سران بارزانی بظهران آورده شده اند محل اقامت آنان باشگاه لشکر ۲ بوده و بر ابراطلاع روز گذشته بفرود زمین ملاقاتی از جناب آقای نخست وزیر بصل بفرودانه. از هفتگی که خورش بارزانی در خاک هران شروع شد و چند متبر باین کردید بارزانیان بظاک ایران پناهنده هونه در طریقی صفت اقامت ایشان در ایران گناگهای در جرایم معنایی راجع به بارزانیان مشکلی میشه که اغلب قدری از اجساد هیئت منحرف بود بطوریکه نه تنها مردم که روزنامه ها و امضا و همدار و جع بارزانیان در اهتیه بودند بلکه نویسنده گان آن مطالب و حتی همدای از استولنی امور هم در کات بارزانیان و ایک نوع شرادت و بارزانیان را مردمان مسامرح و بارزانیان می پنداشتند ولی ما که تاسخی بوختت آن مان مطلع بودیم بختی اوقات که موضوع بارزانیان پیش میاید از آنچه ملاحظه می کردانی میاید و حتی برای رفتن سونون از هان صومی سونون کات بارزانی دوران و خوشو ش های آنان با زحمت زیاد مدار می بدست آورده و منتت عنوان و اسرار بارزانی و ملاقاتی منتت بودیم که کنتتی از آرا در همین شماره می توان ملاحظه نمود. منظور ما از انتشار این سلسله مقالات این بود که مردم را از یکجورنگی سر کات بارزانی مطلع ساخته تا بیکه بدانه این خورش از این طبع شده و چه جریان های داشته و به کجا مشیر گردیده است. گمان می کنیم مطالبه این سلسله مقالات هوشانه تدبیر است که املاک اسرار بارزانی واقف خواهد بود و برای اطلاع مقامات مسئول دولتی هم این نوشته ها بسیار گرا بیه خواهد بود.

بهر حال حرکات بارزانی هر چه بود گذشت اکنون سر نوشت این افراد که در حدود ۱۲ ۱۵۰۰۰ نفر می باشند در دست دولت است آنجا بیکه بساطل مرزوما یک پر دستمانند منتظر نه بییند دولت در این باره چه تصمیمی اتخاذ خواهد بود. بارزانیان از هفتگی که ۱۴ ماه

جهان نو دار آستانه سال نو بلیختند میزند

پیمان را در مردن شش هدی نیست برصده از کل آزاد می یادند فقط برصده تاریخ بارزانیان میا برصده باقی بر شور و هیجور و باخون دیده نوشته می شود.

ا بتررو ها ملل آزاد در حراس جهان روز نو، سال نو و روز نو گونا گونا جشن میگیرند. دلای حساس از مشوره های الهی «آزادی و دنگراس» میارزد و قلب های پر شور و آزاده که رنگ زاریاس آزادی برای آزادی و پاید آزادی میفرمانند در برابر سید «ذاله صاع» برای یک ساله یک پر خدمت مود می بندند

بچه در صلحه A

اسرار بارزان (۱۱)

تقدیر بر همتگر داد

۱۷ روزه فرمادار اربیل اطلاع داد که میخواهد در میت کاپتین جاکسن معاون مشاور سیاسی کرکوک ملا مصطفی بارزانی دو مرگه سور ملاقات نماید .

این ملاقات در موعده مقرر انجام گرفت ولی معیط سردان باعث عدم موافقت شده طرفین با کنهورت ازهم جدا شدند.

اوضاع رو بروخات میرفت ، ملاقات ها ، یکی بعد از دیگری همه از آبنده اسناکی حکایت مینمود تاهاجر برای اینکه تصمیمی اتخاذ شود روز ۲۵ روزه ۱۹۴۵ ذمیم مصطفی بارزانی و محمد محمود وچلال امین جلعهای تشکیل داده و قرار بر این گذاشتند که در مناطق دوهک - آمدی - مفره شیخان و سنجانر کشتی زده مراجهت کنند و بعد بر روانده - کوی منجان رانته - حلبجه و خاشیم هم رفته ملاقات های با روسای مشایر کردانین مناطق بسمل آورده و روح همسکاری و هم آهنگی آثارا تلویت نمایند .

دو روز بعد پستی در ۲۲ مازوربه مسافرت آغاز شد ولی در راهمانی که پیش پیی نموده بودند ، روسای مشایر تماسی گرفتند و افسامات تا روز ۱۰ ماه اوت ۱۹۴۵ با کمال نظم انجام گرفت .

در این روز دو هتکامی که مسافرنی در دهره با که چهار روز مسواره تا بارزان راه بودتوقف داشتند کافلی پشمنون ذهل از فرمادار اربیل برای ذمیم مصطفی بارزانی رسید .

بیلا مصطفی بارزانی

لازم است خود شا وروسای بارزان دهرمت ۳ روز از تاریخ دیوانت این کافله تسلیم دیوانت شوبه دغیربا مسوولیت مسوولیت غسارات واردهو کشته گان متوجه شده خواهند بود .

فرمادار اربیل - سید فراز

در همین روز کافلی هم از مشاور سیاسی شهرستان موصل کتلیه بری اوجیم رسید که با نامه فوق هم آهنگی کامل داشت . در این نامه مرصحا نوشته شده بود :

« واگردستورات دولت هرازانرا اطاعت نکنیته ازکیه توجهات ماسموروم خواهد بود »

مصر همین روز کافلی هم از شیخ احمد برادر بزرگتر ملا مصطفی دریافت شد که اطلاع داده بود ، خودش آغاز شده وین نوای بارزانی و دولت زد و خوردی روی داده ، ادارات دولتی در بارزانرا اوظرف بارزانیان تصرف شده ، اولیقه کشته شده و پست مرگه سورم تصرف کرده بده لازم است فوراً مراجهت نمایند .

اوضاع دیگرگون شده بود ، اتفاق را که تا بسمل با کمال حدیث مصاحت نموده پردنوخ دادن لنه تغییر نامه های فرمادار اربیل و مشاور سیاسی شهرستان موصل هم شخص را بتردید می انداخته که در زود خودر مالی که شیخ احمد در کافله خود میدان اشاره نموده بودشادوست مرموزی دکار بود و بطور غیرمترقبه از فیت ملامصطفی استفاده نموده سران بارزان وادریج من انجام گرفته فرار داده اند .

همه چیز پیش پیی میشد غیر از زد و خورد بارزان بنابر این تاوقت تنگ بر نرفته می بایست بارزان مراجهت کرد و بعد از این پیش آمد راهبیه بود و در نظر گرفتن اوضاع تصمیمی اتخاذ نمود ، ولی اولی از مراجهت لازم بود در آن نوای روسای مشایرا آنگه نمودنات مسووت لوم جتک در ۲۵ متعلق هم خودش شروع شود .

این تنظیمات منطقی هم چنه روز بعد لازم داشت ولی با نهایت سرعت تا آنجا بیکه وقت اجازه دیداد دستورات داده شد دستورات انجام گرفت سپهرام بارزان پیش گرفته شهروز ۱۷ اوت ۱۹۴۵ مسافرنی مایارزان رسیده وروغ احمد حاضر شده .

شورش دوم بارزان

۱۰ اوت ۱۹۴۵

فرانز روز ها که اتفاق دوم دوزخورد روی داده بود غوست اوضاع صومی را در نظر گرفته تا بچیران امر بهتر وانف گرمید .

۱ - اهمیت بارزان - بارزان روز بروز بر اهمیت خود می افزود . حرکات منلی کرده شدت می یافت و این گانون نهضت منلی نیرومته شده بود بطوری که ترزلر عبیبی در مسانلی نزل ملاترانهرا انکشته بود .

این صفاتون سوزان می رفت که کم کم شعله های جهانبگیرتر شود وهر وسیله تبلیغی که برای اسماه آن بیکار میرفت کارگروانغ نینانده بارزان لریاد داخواشش کردوا درولای دیولامی در جهان متخبر نموده بود و نهایت کوشش کفار می رفت که از آلودگی بچنه وسینر خودرادی خود . سیاست مدبرانه ای که در اداره این افسامات سیاسی بیکار رفته بود گرگونه تبلیغی و خشتی ساخته بود . تنها بیک راه باقی بود و آن کثانیدن بارزان بچنه بود . انجام این خشته هم با یعون ملامصطفی در بارزان پشندان

صندوق پس انداز منلی

فرز دانشان ملائحت هشتتت هدرت می ناید که برای باز کردن حساب پس انداز صندوق پس انداز منلی با بجه های هفتری در تهران و بنیمه هایا نمانده گی های بانک ملی برای دوشهرها و شهرستانیا مراجعه باینه . در سال جاری دو میلیون ریال جایزه بین حسابهای پس انداز بطور فرده تقسیم خواهد شد .

جایزه اول آن ۱۵۰۰۰۰ ریال است

مادر جوانان بزرگ آن برادرزیر میباشد :	
۲ جایزه	۷۵۰۰۰ ریالی
۳ «	۵۰۰۰۰ «
۶ «	۲۵۰۰۰ «
۱۵ «	۱۰۰۰۰ «
۳۰ «	۵۰۰۰ «
کسانی که تا پایان سال جاری حساب پس انداز داشته باشند مشمول فرمه کشی خواهند شد .	
۱۵۰ -	۲ - ۹۹

آشنایی

انقلاب حیوانات

بخواله از برایت دانستی

اگر غفلت رسید حیوان پنهانی

حیوانات خودش کردند آدم هارا ازخود راندند ودر حیواناتان حکومت تشکیل دادند تمام این مطالب را در انقلاب حیوانات با تصویر های زیبا خواهد دید بهیا ۱۵ وپال درخه کتاب فرشی ها

۵۴ -

آسان بنظر نرسیده .

۲ - پاک فرست مناسب - چنانکه در پیش کتیم ملامصطفی و دودفر از اسران الا بارزان خارج شده که در اوضاع مناطق دیگر کرده نشین مرگش نماند . امور بارزان موعه در دست شیخ احمد بود . این فیت بهترین فرصت برای اجراء شده بود

۳ - مسافر ناگهانی - یکروز قرا اذاتاق دوزخورد ، هرت عبدالعزیز خود را به بارزان رسانید در این وقت فقط شیخ احمد در بارزان بود بنا بر این این پشتیبانده های هرت عبدالعزیز در شخص او که در این جا تنها بود زود بر موثر واقع میشد . شیخ احمد که شخصیت منسی است کتیم هر موزو مسامحه وارد بود و حل مر مشکفورا در چنگه میادست بنا بر این معیط کاملآ مادی بود که اگر حالت ای روی بدی چنه در گیره

۴ - دستور دولتی - بعضی شروح ملا مصطفی از بارزان دولت هرازان از موصلیت استفاده نموده نوای نظامی به اطراف منطقه بارزان فرستاد و ضمنا دستور تلگرافی به کلیه ادارات دولتی در بارزان صادر نموده بود که هر بارزانی را برادرزیران تصرف مینمایند . بنا بر این آن وسیله ای هم که میبایست چنه را بر انگیزد به بن ترتیب با اجراء ای دستور اجراء میشکفت فکر ستمند شیخ احمد هم برای چنه که از طرف هرت عبدالعزیز مسکن بود تقویت شود بگنریته ملا مصطفی را می توانست در یک صل انجام دهد فرار دهد .

تفشه اجرا شد

پس از وصول دستور تلگرافی دولت به ادارات دولتی بارزان احمد خوشفوی رئیس شصرتت مودوی (ازمشایر بارزان) به پست زبیار مراجعه مینمایند شروع به گرفتن او مینمایند ولی احمد خوشفوی با زیر دشتی خودرا نجات میدهد .

همه ای از بارزانی ها به ادارات خود بارزان مراجعه مینمایند چون دستور دستگیری آنها صادر میشود این همه به مقابله پرداخته بانتیجه ادارات بارزان و بارزانیان تصرف مینمایند . در مرگه سور اولیقه رئیس شصرتت شیروان با دو نفر بارزانی مسلح برای امودر تته وکسور وقریره به پست مرگه سوو مراجعه مینمایند چنی سمن خواهند آنها را دستگیر نمایند مقاومت نموده در داخل پست امنیه دوزخورد بود می گردید و بانتیجه اولیقه از یک طرف و فرمانده پست و چهار نفر امنیه هم از طرف دیگر کشته شده و پست ها از طرف بارزانیان تصرف می شود .

وکتیکه کار بانتیجا میرسد شیخ احمد نامه ای که در پیش به آن اشاره شد به ملا مصطفی می نویسد که دروه مره با دریانت پشندان

کرد و کوردستان

(۷۵)

مرض و طول داشت نشسته با مدعوین
 راه میورد شیخ سعادت می جنبه همدانی
 فرام کردستان سکونت داشت از
 فطرت نظر دیساتی بسی اندازه احترام
 نگاه کرد و در مجالس رسمی بالا
 دست صفا کردن می نشاند مدعوین
 که خنیا توپون ترجیح را داشت و
 بالآخره بی محبت و ترسج اورا
 کشتن داد چنانکه ذکر خواهد شد
 در بیج اول ۱۳۱۳ - بر حسب
 تقاضای نشر السلطه باجلان و مطران
 معنی جرم دیدار بی ولایت عیمره هیوا
 آذربایجان شد پس از چند روز مراجعت
 کردند و برای جسی از علمای اعیان
 شیر رقم اظهار معذرت و غلغله طلب
 آوردند

از جمله برای این جانب هم رقم
 بنام شیخ الطیار محبت باضمانت
 طایفه شیخ کتیری باضمانت آقا محمد
 یکصد سال شرفت خوری در منازل علمای
 اعیان با گمان سر توهین و اذیت
 روز جمعه ۲۵ ذی القعدة ۱۳۱۳
 میرزا روحان گرامی در صحن شاه
 مد العظیم قلب ناصرالدین شاه را هدفت
 کلمه علت تفریر فراداده با یک تیر
 سیات اورا شت می دهده پرا علمای
 خان اتانکه اعظم اورا اولی الامر
 بدر بار می رسد شروع با نظامان و امنیت
 منشیاد بود و تیرا ۲۵ ذی القعدة مظفر الدین
 بردار کرده گاه تیر بر بیورد بر سر
 سلطنت جلوس نود و بیست و سه سلطنت
 ظاهرا (۱۱۶) تیرتوب شلیک میگردد
 و در روز شنبه ۲۵ ذی القعدة اول
 دارالاملاک تهران شد اتانکه اعظم
 مراسم شاکدگری اورا فراهم آورد
 پیشه ایالات و ولایات جلوس و تاجگذاری
 ولیمه را خریداد و در کله ایالات و
 ولایات آیین جشن و پیراهان و آذین
 بنامی بیول آمد حساب الله امیر مین
 شد و در هر پیراهان فرامین پی
 هر داده و عهود علمای اعیان و کسبه و
 تبار کردستان برای تاج گذاری و تاجگذاری
 دعوت بود شیخ شیام روز ۲۵ ذی القعدة
 بازار وک دگان را آذین بستند و در
 جایز اورا آذین بستند داور بود
 از شرافت شاهان و امیران شاه سوار
 حداث من علم کرده کم شیخ فرعون
 تاج و تاروی و مشایخ گردید

شیخ رضای شاعر گسرد معروف
 و پاهای ذیل را در فضیله قتل امیرالین
 و پاهای گفته که مینا ذکر نمود
 اولی همی شیره باسیری ناصر شایخین
 اندوه من گمشدی کرد و تشکیق رویان
 هائی و اسیری هائی که گمشدی هوسیا
 یاسایی بی نوسد آید که دردی مان
 ترجمه ای ذی القعدة هیرت میاید پیش
 آمد ناصرالدین شاه اولی ناصرالدین
 ذوق فرنگ (۵۸ سال) پادشاهی گردید

از هیچ راهی کسی به او گفته اند
 آچنانی را نگاه کنی و نامش چگون
 است که صدمت برساند و پاسان داشت
 یک پیاده در صحن بستاورامان کرده
 (کن و مات و یزیده و شاه از معصنات
 هفریح است)

روز جمعه ۱۶ مهر ۱۳۱۴ ایجابان
 بر سر منزل فرمودت ایوی سپید جان
 رفت که ساز صفا با عیوبی مشکافه
 من حیواست با لای منیر برو شیخ فرعون
 ملا عبدالرزاق امیر الاسلام فریج یک
 مسئله مقدما اینکه شایان ذکر نیست جا
 فساد خود را برداشت گفت ما بیشتر
 مثل نایاب نماز نجوایم این را گفتم
 و پاید و کسان خود که حاضران
 بودند از صفا خارج شد رفتن او در
 وغیبت جماعت از تری ساخت هینگی به
 بیان حیاط مردم بدید کسی دتال او
 نیرو در اطرافیان خود را تحریک کرد
 که با شیخ به یاد مسجد حله نایب
 خلاصه نشی و با خود روانی منیر شد
 و آن روز نماز صفا نگارده شد
 حساب الله حکمران بر او مت
 شدن و ترازول منکبت کرات ذیالات
 داشته اند این واقع و تیرا لوبکن
 فراد داد تنگ انصاف و ایوریت تشایار
 بنوادند و در کسبگری ایوز فر
 میرزا علی اصغر خان اتانکه اعظم غتاب
 به حکومت صادر کرد از قراقره
 اطلاع رسید ملا عبدالرزاق امیر اسلام
 باجسی از اشراف و مسجد جامع بر آمل
 امامجه و پیش شوره بود و صد تن
 ایشان را کرده اند ضامنت نسته ای
 البته فوریت از مرتبین شرارت مجازات
 کامل چیل آورد ملا عبدا لرزاق و
 هم تادیب نایند و نتیجه از اطلاع
 حکومت از غمت استلاخی پس ناویر
 هیچگونه اطلاع نبودند جواب تنگراف
 کت بود نشانی نسته لیست بالآخره پس
 از تری حکومت ضامن برای ماهوروی
 ایباش از غیوب با مایه با صفا
 است در دامنه گروه آ میری رفتاد
 آقا چادر زدند
 یکشنبه من چیل مطالعه خود را چادر
 استعمال کرده رسید یعنی سوم شورا
 که در مین چادر بود با طرف و سینی
 میدوید

حسام الله که از تفتی معضام
 خود امیر یکستان میدهد ضمن چیل
 روزی پس در اظهار شرافت و زیرستی
 خود رفت و منتر می کند
 پس از مراجعت بشهر من چیل راه
 بود از حکومت مجاب نوده اورا بکشد
 پند و جوو معنی نوزد
 ملا لطف الله شیخ الاسلام این تفتی
 را دست آورید و بنام فرار داده شروع
 بنحریکات نود
 هوم طلاب و مدرسین در مسجد

کوهستان

قابل توجه جناب اشرف آقای نخست وزیر

بطوری که تاکنون متذکر شده ایم
 و اخیر اسرار آنرا صلاحتیوس رسیده اند
 توده کرد بواسطه بیرون که از ایرانی
 اسلامی در عروق آنان بودیسه گذارده
 شده هیچگاه از راه راست که ایران
 برستی است منحرف نشده و تا آنجا که طلب
 و ما را جبر نوده و پیشه چنانچه پاره
 اوقات اظهاراتی شایسته بر کسایت از
 عمل خلانکارانه مامورین ما صلح بین
 دیگری نباید تلقی نمود بدینخانه چون
 شکایت آنان برای رسیدگی به بیان خود

دارالاسمان رفت از آجا بحسام الله
 پیام دادند که از من چیل لدجوی
 نوده تو همین اورا تبرین نماید
 صام الله زور بر این تکلیف نسته طلب
 ساجد به هیئت اجتناب با خیر طوطیاچه
 و چنان کله بقیه کوشی برود
 محده علی کله - و روشکه و جیز
 برادرش با مده صادق له کسیرم
 عمل فراموشان فورا دروازه فلقها
 بسته از مصلحت جلوتری کردند طلب
 هر چه می نوده له دروازه و باز
 کتند نند جسی ماضیل حکومتی
 در سرباز خانه بود هجوم برده آنچه
 اسب و اسبان و زینت بر کتند از آنجا
 بوه همدرا بخت برودند - فراش خدا
 هینکه ملتفت شدند که همه طلبه کم
 شده دروازه را باز کرده آتانی که
 پشت دروازه بودند بیجان فلج بر روی
 همان محده علی و روشکه با فراقی هاسا
 سرچا دروازه را بسته و نه و دروازه
 را کتیشه طلب را دو میان دان دروازه
 پیمان گرفته و چند مرتبه را زنی کرده
 و پیشه فرار کرده برنی از کتفه خود
 و پایتین انداخته و برنی از راه فردوس
 خود را بجای دادند

سرمیا دروازه را بسته و نه و دروازه
 را کتیشه طلب را دو میان دان دروازه
 پیمان گرفته و چند مرتبه را زنی کرده
 و پیشه فرار کرده برنی از کتفه خود
 و پایتین انداخته و برنی از راه فردوس
 خود را بجای دادند

تالیس بود که سرش دو اورد زخم خورده
 خورده بود از زنی من چیل طلب
 دو باره و معیبه در کتله ملا عبدالرزاق
 امیر الاسلام جنبه همداره مشالیه
 امین تقاضای منسوحین طلب حمله به
 خانه شیخ سعادت شیخ همدانی جنبه امامی
 کت ذکری از او گذشت بریده اورا
 منقل بیرون کتیشه و بیجا تشکیق بریان
 می برده مشیر دیوان فورا امر بستن
 دروازه داد راه فرار میدهد از آنجا اورا
 در صفا ملا لطف الله شیخ الاسلام آورد
 در جلوه نامه سعادت استعمار بر آست
 میدید از منسوحین و سپید کسایت و از غی
 با خنجر حکم او را یاره می کرد و
 از کشتن مشالیه علی و تبه شروع
 و تبه و فارت خانه هائی اول تبت نمود
 چندین خانه را می چایند و آشوب و اطلاق
 با نهایت شدت در داخله شهر بولنگ
 درگیر شد و امنیت و آسایش یکسری
 مسلوب گردید - شبها از مردمی کله
 و غلبه کت خواب بیستم احمدی آشنا شد
 شد

روز شنبه ۱۶ ذی القعدة ۱۳۱۴
 هوم اهالی به تنگراف اهالی رفتند

الکته محروم روزی سه هفته معزول
 الی ثان صحن علی خان امیر نظام گروسی
 نوبت دوم حکومت کردستان نامزد
 گردید

حسین آژموده اردلان
چاپخانه
مظاهری

از یکی از شعرای معاصر

حضرت آقای مدیر محترم روز نامه هنگی کوهستان چون در شماره های آن نامه صحبت از کاتبانِ هنای سزای خود کرده بود و بنده از جریان انتقادات کاملاً در آنبیا آکامم و میدانم کانه بد چه شخصی وجهه و ریشابه اش مشغول است که برمت نصب شود برای اطلاع جنابانی این نصیحه کردی از فرستادم که درج فرمایید. درآینده نیز فرج کبایت نصب و انتصاب شدن ایشان بنظم و نشر عظیم بشود که جهانیان و آزادی خواهان از جریان آزادی آن حوزه آگاه شود.

با تقدیم احترامات - ح. م.

له شرح مثل او حالی مقامه
 هزار قتل و ما مقهور عامه
 ایش که و طغایه و ظلمت با به
 به لایو پارلمان اعطیل پایه
 لوی جو، یولور، کلافت و زوره
 چل و نغمت بین گشت جمع و جور
 به مدعی اکثریوش حالت مجلس
 گواه ساده بر عرض مجلس
 از آزادی بی عطیه و رای وانکار
 و جودش و اولین پایه روی کار
 سلاسه بندی و شتر چلو
 امین کاریکه عینی او نبره
 دلی هابایل آزادی له ایران
 له میچوره و زمان نای نمایان
 باین هفتای آزادی که ناری
 ای سینه شو که و توتونه دای
 وجودی شبیه ، دایم نهاره
 ظهوری اوله گل آخر زمان
 له کوهستان بیکه چاپ ام فقیده
 له رشتی انتقابات فقیده

ام فقیده بوملداری محترمی روزنامه کوهستان تقدیم گرام - امر به درجی بفرموی

سیا یزه به کشر اولدای
 به اوها و کاری غاس و بار گیای
 اگر نازانی و اخامه سزانی
 که مت، کله به ، مأمور خوانی
 مطیع صحنه به خون، گاور کوتال
 له شیر، مولی بدای بی پاته سربال
 به تمسیمی شوان گله به ناچار
 ای ساشری بی نریاد و خار
 اراده شوان و کوحسک شایه
 اطامه فرش و بی چون و چرایه
 دوریسه بسختی آزادی فاشیه
 تقاضا به فسه شتوده و زوایسه
 و کبیل دستوره ناری نرانی
 اگر توروی نرانی، زور جروانی
 له سردو که هوای کرسی روکالت
 تلاش بر کردی سوده وجهالت
 گر کته کروشی غوث بناسی
 بنا و هماسی به فسل سیاسی
 عایون بخته بی آراه و کبیکه
 اگر بی زور... بریکه طویلنه
 ملای کرک، که فرمودی زمانه
 له وصلی زهر کی ۱۱ ایلی امامه
 در انشان به طبع و نظم غامسی
 هر کی بی مینی فطلسی او اناسی
 کبیکه و ادنسی این سن
 له کرسی پارلسن بی گرت بنامن
 له خوشانی برابم آغاز صابر
 که او مرحوم سوده زور مایه آوار
 کتبی له و فسه و ظل و حکایات
 به بی مایه، به یته نم و غیبت
 اگر چی غیبت مرد و سحلاسه
 مراد غیبت نه له، و رضای حاله
 له مواروژی چاری که و ت بلانق
 شریک بومرغ بیچاره، سبق حق
 و بی جوشه و شی و دانگ سینی چون
 چوده بیو زراعت بی فسه خون
 سیان بی عود له زورا کوا کبیکه
 اوه دبی نسی حاجی لک لک کی
 ره نسان بی، مرضی هزاره
 له میرا خواردی هر کرم و وار
 و بی حاجی بی او نسیم پایه
 له ملکی من دبی بارکات به پایه
 اگر او حاجی نظمی و سواره
 چاره و آوی زدم بی زماره
 دبی بی لبتو، او بل بی تملمک
 دنا ایستاله حاجی تنگ خنقم
 نهان توای بیاختن به آفا
 اوه انسان بی، طبره له باهسا
 به ناروا حاجیه، بوجه به چوگ
 له سر اووگ بشر واجب به چوگ
 خنسا مره، نسای این هینت
 چناره بی انتظار بواو له لائق

کوهستان - چون در ابتدای این اصدار اشاره شده بود که مدیر روزنامه کوهستان کاتبان هنای سزای است لازم میدانم این قسمت را تشریح نمایم که همدای از امالی ایشان را کسانیده نبوده اند ولی از طرف خود ایشان نه بلشماص در منل مرابه شده و نه در مرگ کمالیت هائی کرده اند .
 نماینده باید نماینده مردم باشد و مردم خود باید جهت کشته که نماینده هایت انتصاب کشته اگر کسی خواست با تکیه و تلق و این و آن را دین و دودعه مآذدن، و بول شرح کردن و کیل خود نقضا نظرهای دارد غیر از خدمت بدم .
 والا کسی اگر واقعا بشواهد خدمت بدم شاید استیجابی ندارد که باین و آن تلق بگوید که او را برای خدمتگذاری برگزینتند.
 عطیه مدیر روزنامه کوهستان این است که مردم باید به آزادی و بیل خود و کیل انتصاب نمایند و چون با هر گونه تمسبل نماینده معاللف است خود بی ساشریست تک تمسبلرا قبول نماید . اگر خصی قدری حوت غس و ا کتار بکفکارد راه و کیل هنن و وصول به آن چندان دشوار نیست.

به مشترکین و نمایندگان

نامه کوهستان

چون پیش از دو ماه و نیم دیگر از سال مالی روزنامه کوهستان باقی نیست لازم دانستم بعنوان یادآوری به مشترکین و نمایندگان خود در نقاط مختلفه اطلاع دهم که مطالبات ما را چه زودتر ارسال فرمایند .
 سال گذشته ، در پایان سال اول روزنامه یلان خود را بلا اطلاع خوانندگان و مساهدین و از جهت کثانی که در قسمت مالی از لحاظ وصول و وصول و جود اشتراک و معرفی مشترک و غیره مارا کتک کرده بودند بیاسگذاری نمودیم .
 اصالت تعداد مشترکین ما از سال گذشته زیادت شده و میزان مصرف روزنامه ایشان گردیده و بوجه اشتراک ما جز مبلغ مختصری ننوا ارسال ننده است .
 مشترکین و نمایندگان ما باینوسی میداند که روزنامه کوهستان از آمد فروش روزنامه و آگهی پایه اداره خود بدهی است اگر این درجه بوصول نرسد ناچار روزنامه پس از از اینکه بنیته مالی خود را مصرف نود دچار وقفه و تمسبل شوامد .
 در اینجا لازم است این مطلب را اظهار نمایم که علاوه خوانندگان ما در روزنامه کوهستان بسیار است بطوری که هرگاه شماره ای یکی از مشترکین

نرسد کتبا با تلگرافنا تقاضای ارسال آرا بنمایند . این علاوه خوانندگان است که مارا تشویق بنمایند که بدون توجه به خسرو های مالی در ادامه اشتراک خواننده داشت که این ابراز علاقه برای تقویت روحی بسیار ضروری و قابل ستایش است ولی آسرا نمیتوان برای تأمین هزینه های روزنامه روزنامه بکار برد .
 همدای از مشترکین ما هنوز وجه اشتراک سال گذشته را ارسال نفرموده اند و همه فوق الامده را باین من خود توجه به ارسال وجهه اشتراک اصالت نداشته اند .

چون وضع مالی روزنامه چندان رضایت بخش نیست و ضرورتیکه مشترکین و نمایندگان پر روزنامه کوهستان مایل باشند انتشار آن ادامه داشته باشدی تواتر با ارسال مطالبات ، و با معرفی مشترکین جدید بنیته مالی و روزنامه را تقویت نمایند . بدینوسیله است در صورتی که از ارسال مطالبات خودداری خود در اوایل امسته ناچار خواهیم شد نام مشترکین به حساب خود در روزنامه چاپ نمایم تا با آگاه شدن از وضعیت مالی روزنامه خوانندگان کوهستان اطلاع حاصل فرمایند که اگر روزنامه مجبور به تمسبل شد تصمیمی نتوانیم کارکنان آن نبوده بلکه بکانه حاصل عدم وصول مطالبات برده است .

آگهی های حصر وراثت

آقای لقمان امینی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که سرمنه امینی کلیبی پدرش مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر بهپاوسر (لقمان - هوشنگ - سامان - سید) و دو دختر سوزت - روزن ویکه وروچه (زینب) میباشد پسندت گواهی نامه عملی روزنامه شناسنامه صدور گواهی حصر وراثت برای استفاده از کلیه ترکه متوفی خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

آقای عبدالرحمن بالدری درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که عبدالکریم بالدری مفیم دانی متنتج فوت کرده وارث او منسخر سه دو برادر (عبدالرحمن - عبدالحمید) و دو خواهر (گلنزه - بیباده) برای استفاده از کلیه ترکه متوفی معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

آقای دقتی وکلاناز وکلاناز حاج زماهی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که الله اسدالله زماهی مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر سه به پسر (حاجی - صالح - شکرالله) و یکدختر (حلیه) و یک زن (فاطمه) می باشد باشناسنامه وگواهی نامه محصلی برای استفاده از کلیه ترکه متوفی معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

آقای شکرالله وارثگان درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که محصوره غلام فریب زاد (زوجش) مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر پدرخواستار کننده (شوهر) چهار پسر (مصی العین - ماشاهاد - اورمغانچیان) و دو دختر (فرشته) و سمری خانم (مادر) میباشد به مستند گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده وارث از کلیه ترکه متوفیه معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

آقای محمد سجادی وکلانازمحمد بیگ بیگ دوستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که طلیحیه بیگمینی پسر محکمش مفیم تره شاه حوسه فوت نموده وارث او فقط حوسه به مکلاناز سه بیستند گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده مالکیت فوت پیام وارث گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و نامه کوهستان آگهی می - نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

آقای علی طرطانی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که محمد علی طرطانی مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر یکه خواهر زاد (درخواستی کننده) میباشد باشناسنامه نامه و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

برای مشترکین گیلان غرب

برای سهولت ارسال وجوه اشتراک مشترکین گیلان غرب بنیوس مربوط به اشتراک سال ۱۳۲۰ کلیه مشترکین این ناحیه برای آقای جعفری افران فرستاده شود خواهشمند است آقایان مشترکین به ایشان مراجعه فرموده وجه اشتراک را تسلیم و ثبت نمود تا سر وقت ادرامه فرماید .

بازرسی مالی حسینیان در همدان

دفتر بازرگانی آقای سیدحسینباي میبادی از تهران به همدان منتقل شده و در عراق حسین خانی افتتاح پانته شروع بکار کرده است آقای سید حسینیان که از بازرگانان صعیب اهل کرد می باشند در همدان برای ایجاد هرگونه مفارقات و مراجعات بازرگانی و حق ائسل کاری حاضر می باشند.

از مراجعه بایشان غفلت نورزید

۱۰۰۰

۵۸ - ت

آقای عباس لادریحسینی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که فاطمه ظنی زوجش مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر به منار العیبه و یکدختر (امیرم) و یک پسر (حسین) بوده و بنا حسین فوت کرده وارث او منسخر بیاس پدرش می باشد باشناسنامه گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده از ترکه متوفیان معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و نامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر می شود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۵۸ - ت

۳ - ۳

آقای عارف مولانای درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که فرشته خانم بی بی شربزوجه اش مفیم متنتج فوت نموده وارث او منسخر سزاهالیه و یک پسر (طاهر) و یکدختر (زینب) ابراهیمی پدرش بوده جدا لریبه مخیره فوت کرده وارث فقط عارف پدرش می باشد پسندت گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده از ترکه متوفیان معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و نامه کوهستان آگهی می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیه نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

بانو شرطی مریم پور - مریم - رایجه مرین درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که سیدفاطمه مریم مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر پدرخواستار کننده گلان دودختر (شرطی - مریم) یک زوج (رایجه) میباشد برای استفاده از ترکه متوفی معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر و وصیت نامه جو رسنی وصی تاثیر ندارد

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۱۶ - ت

آقای مادرش متنه درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که امینیه غایبمینه (مادرش) مفیم دانی متنتج فوت کرده وارث او منسخر سزاهالیه (پسر) و یک فرزند (شوهر) میباشد باشناسنامه گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفیه معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان چاپ میشود اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میگردد .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

بانو فرشته دهقان درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که اکبر کریمی پسر مفیم دانی متنتج فوت نموده وارث او منسخر یکه زوج (فرشته خانم) و یکدختر (مهراگانیز) دو خواهر (حمیده - اختر) می باشد برای استفاده وارث از کلیه ترکه متوفی معور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه رسمی یا سری دارد از نشر اولین آگهی نامه سه ماهه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر می شود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۱۶ - ت

۳ - ۳

کوهستان

همه فرار میکنند

به از صفا اول
ما را از کسی ، امان ، من غمت می
کردم و از ایستادگی تو نیکتر و آشتی
برای کسی می تراشیدم ، چون اهل
محل بودم و مراست نراهم نیکمردم
اندازه که من کوچکم میکردم مردم
مرا آلوده کرده بودند تا بالاخره چون
آینده خود را در خطر دیدم ، و از این
غدغ جز هدف مانده از کار اداری
چیزی برابم باقی می ماند ناچار
دست و پا کرده و از کردستان چای
دیگر خود را منتقل نمودم .

من چون این مرد خفا دارم و از
غوب میخانگی می دانستم که اگر
می گوید دستکار بودم جاساز آنس
کنند راست می گفت ولی محیط طوری
فاصله است که این قسم اطمینان را می
پذیرد .

کردستان مامور غیرمصلی را می
پرستد ولی برای مامور محلی تره هم
خوردی می کند شاید مردم می دانند که
مامور محلی با آنها خیانت نخواهد کرد
و در همه نفعها دست زیرا جیب و
جیبی دارد ولی مامور غیرمصلی ببرد
و میزدود و از کسی هم واهمه ندارد .

و اما من از مامورین محلی
خوبی که تا زمان در کردستان بوده ام
کثر شنیده ام که معتقدین تریف کنده
فایده خرابی می کنند تریف کردن از یک
مامور کردستانی باعث کوچک شدن
خودشان باشد ولی فاشند اگر کرد
کردستانی خوشام باشد برای آنکه
که ما کین کردستان هستند انتصار
است .

من مامورین جوان و تحصیل کرده
افراد بیستام که پایکند یا مکتب آرزو
برای اینکه خدمت مفیدی بکنند به
کردستان رفتند با هر ناامیسی ساختند
حالیست میجور شدند با پایکندی پاس
داویدی کردستان را ترک نمودند
ولی کین نتوانند در آنها که مامور
دولت هستند با یونک کاملی رسوخ کرده
و خدمت در کردستان را باری خود غیر
مسکن می بینند بلکه اطمینان حساسیم
که می توانند کار آزاد گشته باشند

و اخی و آسایش فکری خود را در این
می بینند که کردستان را بگذارند و فرار
کنند .
بشخصی فریبی است ، همه فرار
می کنند و زحمت خود را در جاهای دیگر
می کنند و کسی مایل نیست بکردستان
شود و در برابری آنها از خود میراند
این محیط مسوم چگونه ایجاد شده
این قسم مملکت سیرتفراری را چه کسی
در این محیط پخته اند تا حدی دانست
و از این جهت من با اشاره آن
می گذرم .

مردم کردستان حتی آن بیچارگان

آب و نان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تکرو شی داخله ۴ ریال
جای اداره خیابان فردوسی و روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۷۷

جهان نو

پایه از صفا ۱
ملل خست و فرسوده در هم - آزادی
و بیپروایه کردم جمع آمده اند
و امروز ملل خست جهان که تقریباً
از تمام استعمار پنا نده اند از لوری
حساب دینی تفتیش داده اند ، که کسی
که بدون هدایت انجمنی باشد محکوم
بفنا است .

توسعه ترمت زیادی از جنگ جهانی
اشیر گرفته است - جریان جنگ ثابت
کرد که شکست مسور حاصل شود در
زمان جنگ منوط به همکاری میانه
و همکاری اقتصادی است . آزادی
بود . روزگار صلح بر کشور آزادی
و حفظ و تمدن اقتصادی ، انجمنی سیاسی
جهان با همت کشورهای آزاد آمریکا
است .

کشور آمریکا بطوریکه زمامداران
آن مگر خاطر نشان ساخته اند خاص
ملل ملیف و کوهک است ، روح
و هوامیس و اسان دوستی که در ملت
امریکا دیده شده است تیره شده است
سه سال می باشد و برخلاف آنچه که
تصور میروند آزادی بوده است که بیادان
مردم آزاده آمریکا بوده و میدان ما
افراد آمریکایی پشتیبان آن هستند تاریخ
دوستان سالها نشان داده که کشوری
مانند آمریکا مدافع ملل خست و حامی
ملل کوچک می باشد ، فویرر و وحیف
فرازی خوی نظری آمریکایی است
و پسند و رد دولت مظهر فکر در هوامیس
بوده .

امریکا برای مصلحتین " ملل خست
و سعادت مسالک کوچک خدا کار می کرده
است .

در نیامی که عناصر سیاسی آن
برای حفظ کشور خودشان خست تنها
وسله کمرانی آنان آزاد قوم نوار
است آمریکا پشتیبان نهضت ملی
و آزادیخواهی است در بزیدات ترومن
که بیکمدر برجهت و آزادیخواهی
است و برجم آزادی را در روش دارد
صریحاً بیاید اعلام میارد که در ماسط
تثیرات امریکایی میباید از دست هادیها
را که با ما دوست میباشند تسویب
نفرامیم کرد

امریکا با بیروی آزادی بخش خود
آلمان خودس را به زانو درآورده و
پیمان متبرکی را و از کون ساخت و بر
آن اتان پند و آلوده دنیای صلح و آزادی

رایا نهاد ، و دستور ملل متفق را همچون
خوشبختی تابان در آسان سیاست جهان
جلوه گر نمود و اطمینان ترخه شای
شکست و گذشتهای بیجا نظام آزادی
و عدل را بوجود آورد ، امروز کشور
های منصفه امریکایی شالی میتهامود
نیاز کشورهای کوچک و غیر خست عاود
زمین ، آسیا ، افریقا میباشند بکنه از این
سخت مورد احتیاج کشور های متروحه
اروپا میزیباشند اقتصادیکه کشور ما
در سالهای ۱۹۴۲ - ۴۳ - ۴۴ به
استفاده از قانون وام و ابراهه از کشور
امریکا سود بادر نظر گرفتن اشکالات
حمل و نقل سود از کسکه گرانهای بود
که امریکا به دنیا و بشریت سوداگر
اسرروز گشایش در اوضاع مشاهده
می شود آن را باید نتیجه مستقیم
فناست اقتصادی و سیاسی امریکا
دانست - اینکه که در اثر بیپرویی
سیاسی وضع جهان دولت آمریکا فرخ
طولانی و آزادی برای ملت میس
داده است دولت ایران باید از این وضع
سواحه و بهترین وسیله استفاده کند ،
که آن که خود خود احتیاج مامورین
گیرد - ایران خود و شوش را روشنی
شود باید نمایان انجمنی را با مسق
مورد مطالعه قرار داد و ملل و ملل
برخام بودن در امور انجمنی استوار
نمود

اگر مسائل پیچیده و پرتفریح سیاسی
را در نظر بگیریم و مواظقت و همه
تکلیف بشیر در ملل مظهر نظر جسم
اشکام بطور کلی این نتیجه را خواهیم
کرد که اینجهان آزاد و ملل خست
از لحاظ مصلحتی استقلال خود کشورهای
امریکا است . ملل های سیاسی که
زمامداران دولت متفق در هفت پیش
مناسب عید " کرسی " ایراد کردند
مبین این نظر بود جهان آزاد باید بهر
چه غیر از آزادی و دموکراسی باشد
پشت پا به داد ، و دیوانه وار بتخل
مصلح میباید نادانیدنی این ترازه متعل
چنگ نوین و مصیبت تازه دیگری گردد
و تاها لوده بهک سازمان صلح میباید
سازمان ملل متفق باشد و وقوع صلح
غیر مسکن از رسیب جنهور آمریکا
یز در طلقی که بناسبت عید نولارد
برای برادر ایراد اندون این طلیت برجهت
را صرح کرد

وما با قدمهای برجهت طرفیکه
صلح و آراش عادلانه پیش میروم و
ببین داریم که کتاب صلح و حلیندی در
سال آینده در سراسر جهان با ناک
خواهد کردید " ترومن " .
بهر صلح جهان نو در دست سال
نولفتم بریدو کلیه بشیران سیاسی بر
آند که سال ۱۹۴۶ از حریت امید
بشخص خواهد بود و این امید
و اعتولان سیاسی جهان و نظریات استوار
مفتد امریکاناید میکند ،

آگاداری

باوریم گروه گانی ایبه لهران دانا کو ایستا پاروی
روزنامه یی بومان نه نارودو بدل اشترکا همدی کیش له مشترکیه
ایبه نه کی بنفشه
روزنامه وختی همدونای به انتشاری خوق ادامه بد اگاه
بایدی
بومان وایه که خوبنده وار خوقه وسته کان باضی تطبیلی
روزنامه کوهستان بین و به زودی مطالباتیکه که مدی بومان
بشنه
۳ - ۱